

پلخمون



قیمت: قبلا حساب شده:

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهر آرا | شماره ۷۲
شماره روزنامه ۳۹۳۹ | شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۲

برخی داروخانه ها چند قلم داروی
ضروری پرمصرف را به شرط خرید
مکمل ها به بیماران عرضه می کنند



کارتون: محمدعلی رجایی

راهکارهای
شناسایی
خانه های خالی

گیر کتی / صفحه ۵

غریب، مثل اخبار خوب

پیشنه اینچور بره؟ / صفحه ۲

کارت خوان هایی که
پول زور می گیرند!



گرانی به پایان رسید!

هفته پیش خبر پایان وضعیت اضطراری کرونا اعلام شد. البته بعد از اعلام این خبر باز اعلام شد که این خبر مبنی بر این نیست که کرونا تموم شده و فعلا مواظب باشیم و هم چنان نیاز به رعایت هست و حالا ما به چیزی گفتیم و زیاد روی حرف‌های ما حساب نکنین.

مثل برخی خبرهای دیگر که فقط یک ادعاست، ولی خودمون می‌دونیم وضعیت چطوریه. مثل این می‌مونه که بگن گرونی به پایان رسید و قرار شده همه اجناس ارزون بشه. یا مثلا قراره اینترنت درست وصل بشه و اصلا دیگه نیاز به فیلترشکن نباشه. یا چه میدونم، قراره همه‌ی مسئولین به تمام وعده‌هایی که دادن عمل کنن و به فکر اقتصاد باشن. یا قراره خود رو بدون قرعه کشی طبق همون تاریخی که گفتن به مردم داده بشه. یا مثلا وام‌های مسکن و اشتغال و فرزندآوری بدون هیچ سخت‌گیری و خیلی آسون به مردم داده بشه و نیاز به هفت خان رستم نباشه. یا مثلا به مشکلات جوانان برای ازدواج رسیدگی بشه و به شون تسهیلات بدن برای شروع زندگی! یا وقتی مسئولان به وعده‌ای دادن و نشده، از مردم عذرخواهی کردن و گفتن که درستش می‌کنن. اینم مثل همه‌ی این خبرها. بشنوین و باور نکنین!



صفحه ۲

۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۲

شماره ۷۲

مشه ایچور بره؟!

خسرو آبادیان

کارت‌خوان‌هایی که پول زور می‌گیرند!



اردیبهشت: قرار شده است بابت هر کارتی که در کارت‌خوان کشیده می‌شود، ۱۲۰ تومان به عنوان کارمزد برداشته شود و درمبالغ بیش از ۶۰۰ هزار تومان کارمزد بیشتری دریافت شود.

خرداد: یکی از مسئولان گفت: متأسفانه بعضی‌ها دارند سیاه‌نمایی می‌کنند و این طور جلوه می‌دهند که ما می‌خواهیم حتی از نفس کشیدن مردم هم پول بگیریم. البته من بدم نمی‌آید، ولی رویم نمی‌شود.

تیر: همان مسئول گفت: من به یک روان‌شناس خیلی زیده مراجعه کردم و او به من روش‌هایی از کمرویی را آموخت. وی در ادامه گفت: در همین راستا همگی می‌دانیم تنفس شامل دو مرحله است: دم و بازدم.

سعدی هم در این باره می‌فرماید: هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید مفرح ذات. خلاصه اینکه مافقط از ممد حیات، یعنی دم، کارمزد می‌گیریم و مردم نگران نباشند زیرا فعلا یعنی این هفته، بابت بازدم که مفرح ذات است، هیچ هزینه‌ای دریافت نمی‌شود. وی هم چنین افزود: نگرفتن کارمزد بابت مفرح ذات که از اسمش معلوم است یک چیز ذاتا تفریحی است، نشان می‌دهد ما چقدر به تفریحات رایگان مردم اهمیت می‌دهیم.

مرداد: همان مسئول گفت: ما به این نتیجه رسیدیم که طرح کارمزد تنفسی واقعا عادلانه نبود. بعضی‌ها هستند که بایدین هر مشکل اقتصادی نفس عمیق می‌کشند. از آنجا که نفس عمیق باعث می‌شود اکسیژن بیشتری وارد ریه‌ها شود کارمزد تنفس عمیق هم باید دو برابر شود. وی به مردم توصیه کرد برای کاهش هزینه‌های جاری زندگی خودشان موقع دیدن قیمت‌ها نفس عمیق نکشند.



دروضاغ شیرتوشیر، آب توی شیر بریزید!

اردیبهشت: دولت با افزایش قیمت لبنیات موافقت کرد.

خرداد: یک کارخانه لبنیات از مردم خواست در فرایند تهیه شیر، با این شرکت همکاری کنند. وی گفت: قبض آب را پرداخت نکردیم، آمدند آب را قطع کردند. لذا مردم می‌توانند با ریختن نیم کیلو آب روی یک کیلو شیر، یک کیلو و نیم شیر تهیه کنند.

تیر: یک نفر موسوم به سلطان ماست دستگیر شد. اگرچه هنگام دستگیری لب و لوچه‌اش ماستی بود می‌گفت تا حالا ماست را از نزدیک ندیده است و حتی نمی‌داند ماست سفید است یا سیاه. وی متهم است که با شرکت و کسب عنوان اولی در تمام مسابقات ماست خوری باعث کمبود منابع ماستی کشوری شده است.

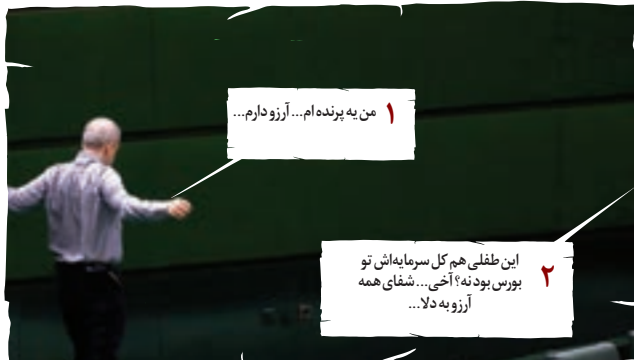
مرداد: با توجه به هزینه‌های زیاد تولید شیر، دولت دوباره با افزایش سی درصدی قیمت شیر موافقت کرد.

اسفند: با افزایش ۱۰ درصدی حقوق کارگران نسبت به سال گذشته موافقت شد.

کُخ تو رُخ

منصوره احمدی

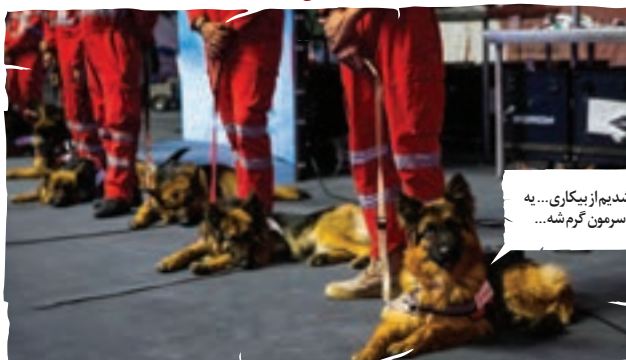
صحن علنی مجلس



۱ من به پرنده‌ام... آرزو دارم...

۲ این طفلی هم کل سرمایه‌اش تو بورس بوده؟ آخی... شقای همه آرزو به دلا...

مانور روز جهانی هلال احمر



پوووووف... خسته شدیم از بیکاری... به زلزل‌ام نمیدانم یکم سرمون گرم شه...

افتتاح نمایشگاه کتاب تهران



۱ کتاب‌ها همه عالی‌ان فقط می‌شه بگین چرا همه شون تارن؟ من کتاب شفاف می‌خوام که راحت بشه خوندش

۲ داداش شما به کش مویخری مشکل تاری کتب نمایشگاه ریشه کن می‌شه

سفر وزیر امور خارجه به مسکو



۲ تازه کنار ماهی نکردن به جای نبات بدن سردی‌اش رو بگیره

۱ آه آه با اون پذیرایی شون... چی بود؟! برنجش که همه شفته، ماهی شم‌بوی گریه مرده می‌داد...

توزیع محرمانه مرغ ها!



مهر: درناهای فرنگی در راه مازندران.
باغچه: شکارچی های غیرمجاز هم تو مازندران مستقر شدن تا از شون به گرمی استقبال کنن!

آسیا: مهاجرت بالای دانشجویان ایرانی.

باغچه: راهکار مدیران: واردات دانشجو از خارج را افزایش خواهیم داد!

تسنیم: ثبت نام داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی از ۱۹ آذر آغاز می شود.

باغچه: واز همین تاریخ رقابت نامزدها در پهن کردن سفره های اطعام هم شروع می شه!

شهرآرا: ۵ هکتار دیگر به باغ سرهنگ مشهد افزوده شد.

باغچه: پس دیگه باید به ش گفت باغ سرتیپ!

جمهوری اسلامی: مقاومت بعضی بنگاه های مسکن در برابر کاهش نرخ ها.

باغچه: و راهکار دولت: یارانه نقدی این بنگاه های بی تربیت را قطع خواهیم کرد!

ایرنا: آغاز به کار هفدهمین شهردار شهر مشهد.

باغچه: به همین مناسبت شهرداری مشهد نمخه شله بده؟!!

شهرآرا: سفر یک روزه رئیس مجلس از بکستان به مشهد.

باغچه: که از مشهد یک سر بره تا طبقه زادگاه همتای ایرانیش!

الف: افزایش سقف وام ساخت مسکن به ۵۵۰ میلیون تومان.

باغچه: که البته این مبلغ فقط ساخت پله های ورودی مسکن رو جواب می ده!

ایرنا: رتبه نخست ایران در فرسایش خاک.

باغچه: آگه آتیش رو هم تخریب کنیم. رتبه نخست نابودی عناصر چهارگانه مال ما میشه!



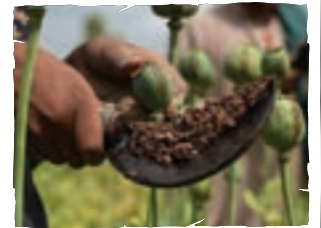
شهرآرا: نوآوری ویژگی متفاوت بیستمین نمایشگاه گل و گیاه مشهد.
باغچه: لابد این دفعه به جای غرفه سمبوسه و آش رشته، غرفه پیتزا و پیراشکی داره!

تابناک: یک نماینده مجلس: صداوسیما هم درخواست ۱۰۰۰ دستگاه خودرو کرده بود.

باغچه: صداوسیما: ۱۰۰۰ تا ماشین رو برای توفیلم و سریالامون می خواستیم!

آفتاب: اطلاعات مربوط به مراکز گوشت مرغ تنظیم بازار محرمانه است؟
باغچه: احتمالا از فردا مرغ ها هم تو کارتن پلمب شده با مهر (خیلی محرمانه) توزیع می شه!

ورزش ۳: وکیل استراماچونی در نامه ای به فیفا درخواست کرده استقلال ۴۰۰ یورو باقی مانده از مبلغ را بپردازد.
باغچه: جون داداش تعارف نکن می خوام پول کارت به کارتش رو هم ما بدیم؟



شهرآرا: تریلی های افیونی در راه مشهد توقیف شدند.

باغچه: خدا به معتادان ساکن مشهد و حومه صبر بده بر این مصیبت وارده!

سرمشاور

در حاشیه نامزدی افراد غیر متخصص در انتخابات هیئت فوتبال استان (چند ماه پس از ریاست یکی از نامزدها)



سمبولار

نیازمندی ها

انواع آگهی ها و خدمات

ثبت آگهی



خریدار کاغذ به قیمت مناسب

خریدار کاغذ های شما با قیمت مناسب و بیشتر از هر جای دیگر جهت پیچیدن ساندویچ در نمایشگاه کتاب تهران هستیم
ساندویچی پسران کریم کتاب فروش



آمار بدهید و مزد گانی بگیری

جهت نشان دادن نبود تورم در کشور، به تمام کسانی که آمار کالاهایی را که از ابتدای سال دچار تورم نشده اند بدهند مزد گانی داده می شود.
تیم اقتصادی دولت



استخدام افراد کار کشته

به تعداد زیادی لیدر جهت آباد کردن داور و مسئولین لیگ در هفته های پایانی لیگ برتر نیازمندیم
مدیر عامل تیم های لیگ برتری



میوه فروشی

در نیایی که همه هندوانه شده اند، توتوت فرنگی باش؛ هندوانه کیلو ۷ تومن، توت فرنگی ۱۰۰ تومن!
اسمال آقامیوه فروش



تمام شد

دیگر پست مدیریتی خالی برای آقازاده هانداریم؛ لطفا سوال نفرمایید.
یکی از مراکز جذب زن های خوب

منافع پنهانی که دندانهایمان را خراب می کنند

محسن دالبند، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، در پاسخ به اینکه «چرا در موضوع ارتقای سلامت دهان و دندان هیچ پیشرفتی نداشته ایم؟» گفته: «تضاد منافع در وزارت بهداشت و لاغیر... این هفته موضوع سلامت دهان و دندان را بررسی می کنیم و لاغیر!»

تاجایی که جارا پر آب بخورید

در ادامه، آقای دکتر گفته: «مصرف بالای مواد قندی و شیرین، اطلاعات بهداشتی پایین و... باعث شده اند دندان هایی که می توانند سال های سال کار کنند، خیلی زود از بین بروند.» مثلاً صداوسیما می تواند با ساخت برنامه و آوردن کارشناسانی مانند دکتر مهران رجبی، به بینندگان عزیز آموزش بدهد که به جای خوردن شیرینی و شکلات، آب خالی بخورند چون مسواک زدن نمی خواهد، پوستشان شفاف و کلیه هایشان تنظیم می شود.

لعنت بر دهانی که بیش از این باز نمی شود

مشخص است همه دندان پزشکان عزیز این طوری نیستند. همان طور که آقای دالبند گفته: «متأسفانه تمامی سیاستگذاری ها به دلیل تضاد منافع به دست درمانگران می افتد و این افراد هم خیلی بدشان نمی آید که تعداد بیماران زیاد باشد.» هر چند خودمان هم مقصریم. وقتی می توانیم با خرید مسواک و نخ دندان، دهان خود را در برابر سرویس شدن بیمه کنیم، به جایش می رویم گوشت و مرغ و میوه می خریم، یا مسافرت خارج می رویم و بقیه پولمان را هم سکه و دلار می خریم، همین می شوهمه معصوم... (ببخشید، آقای دکتر گفت دهانت را بیشتر باز کن، نشد جمله را منعقد کنم).

تضاد منافع چی هست؟

به زبان ساده، وقتی شخص یا نهادی یک کاری به ضررش باشد و آن را انجام ندهد، می شود تضاد منافع! البته قضیه خیلی پیچیده تر از این حرف هاست ولی چون جا نداریم، خلاصه اش کردیم. اینجا هم وقتی یک دندان پزشک ببیند می تواند با پر کردن دندان و ترمیم ریشه و ایمپلنت، برای بچه اش گوشی و برای همسرش ماشین بخرد و برای خودش ویلا بسازد، چراوش صحیح مسواک زدن و نخ دندان کشیدن را به بیمارانش آموزش بدهد؟

سوالات تسبیح

فرانک اشتاین

- بیشترین درآمد مسئولان حوزه بهداشت و سلامت از چه طریقی است؟
 - حقوق بخور و نمیر دولتی
 - توجه بیشتر به درمان مردم به جای پیش گیری
 - بعد از ظهرها در مرکز درمانی در خدمت مردم هستند
 - بعد از ظهرها در مطب در خدمت مردم هستند
- مخالفان اصلی آموزش بهداشت دهان و دندان چه کسانی هستند؟
 - شرکت های تجهیزات دندان پزشکی
 - نخ دندان فروشی ها
 - مسئولان حوزه سلامت
 - باکتری های لای دندان
- دلیل خراب شدن دائمی دندان های ایرانیان چیست؟
 - برنامه های بی نظیر آموزشی
 - تبلیغ انواع خراب کننده های دندان
 - شکستن فندق های درسته عید
 - استفاده از مسواک مشترک

مسواک رو نکن تو گوشت

در پایان، این متخصص گفته: «گروه سنی دهه ۲ و ۳ با انواع و اقسام درمان های دندان پزشکی آشنا هستند، اما اگر بپرسید چگونه باید مسواک زد، بلد نیستند.» دیگر این حرف آقای دکتر را قبول نداریم. مثلاً الان دهه نودی های توانمند سایناسا راهک کنند ولی شاید اسم عمه شان



صفحه ۴
۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۲
شماره ۷۲

کارتون: مجید صالحی

آمد بهار توت ها

★ به به خیلی آبداره. ولی فکر کنم تلخیش به خاطر سمیه که به درخت زدن. وایسا ببینم، این چی بود لای دندونم؟ چرا بال داره؟ نکنه...؟
☆ آای... دزد! بگیرینش، دزد!

از دیوار پایین پریدم و با حداکثر سرعتم پا به فرار گذاشتم. مردک جویری داد زد که هرچه توت و حشره و برگ و سم خورده بودم پرید.

من که فقط داشتم توت را می خوردم. چه کار به تو داشتم که سوار سه چرخه بچات شده بودی و برای همسرت شیرین کاری می کردی؟ آخر آن روفرشی کهنه و چای بی رنگ و رویت ارزش این را دارد که من از دیوارت بالا بیایم و آن ها را بذر دم؟ کاش دست کم نیم نگاهی به خانه ات می کردم، آن وقت آش نخورده و دهن سوخته نمی شدم.

دیگر سه سطل و ۳۰۰ گرم توت چیدن که این

حرف ها را ندارد. اصلاً می خواستی مراقب باشی که آن شاخه تازه جوانه زده درخت توتت نیاید این طرف دیوار. همان طور که از قدیم می گویند، مالت را سفت بچسب، همسایه ات را دزد نکن. ولی عجب نمک شناسی بود. من داشتم توت های درختش را می خوردم که روی پیاده رو نریزند و همه جا را کثیف نکنند، وگرنه چیزی که زیاد است توت. توت خانه او نشد،

فرهنگ شهروندی
مآله چارانی

غریب، مثل اخبار خوب



کارتون: محمد علی رحیمی

اگر تا الان خبر نایب قهرمانی تیم ملی هاکی بانوان رو نشنیدین حق دارین! ولی اگر خبر ریزش بورس رو شنیدین و در موردش باقیه تحلیل کردین و با چند نفر حرف زدین که سرانجام همون چند روزی که براتون باقی مونده چی می شه، دیگه حق ندارین! شاید برای شما هم اتفاق افتاده باشه که احساس کنین دیگه به اینجرتون رسید و حالتون خیلی بد شده و دارین همه ش خبرهای بد رو به این واوون می دین و دچار افسردگی مازور شده باشین. با ما همراه باشید تا این مشکل شمارو رفع کنیم.

سلبریتی های غم پزیر

خب اگر اومدید که برای مشکل افسردگی تون راه حل پیدا کنین، بهتره به فکر درمان خودتون باشین. ما که دکتر نیستیم. ولی ورزش کنید، روزی هشت لیوان آب بخورید، مسواک بزنید و از صفحات اجتماعی سلبریتی هادوری کنید. حداقل اگر نصف مسیر نپاشه، سی درصد راه حلش همینه. به دکتر و تراپیست و مشاور و روان شناس و روان پزشک و اینجور افراد هم بگین حتما اینوبه تون می گن، که از خبرهای بد و کلا اخبار ناگوار دوری کن! بعضی ها روول کنی، کلا تا در طول روز اخبار حوادث روزنامه رو نخونن، روزشون شب نمی شه. بعد می گن چرا حال مون بده!

هشتگ واستوری های جان سوز

۹۹ درصد اینایی که استوری می دارن می گن «حال یه ایران بده» یا «خنده تلخ من از گریه غم انگیز تر است» یا مثلاً «حال همه ما خوب است اما تو باور نکن»، احتمالاً پنج دقیقه قبلش داشتن استوری بقیه رو مخصوصاً یک سلبریتی رو چک می کردن! خلاصه که اگر به فکر بقیه نیستید، به فکر خودتون باشید. اصلاً اگر اینقدر پیگیر بقیه هستید و اخبار خوب رو نمی تونید ببینید یا می بینید ورد می شنید و هیچی نمی گید و براتون مهم نیست، پیش دکتر و تراپیست و همون چیزایی که بالاتر گفتم هم نرید. شما درست بشو نیستید!

خبر خوب، به زشت

بین این همه اخبار بد، به جای اینکه هی چک کنید بورس چقدر ریخته یا شرایط جدید ثبت نام ماشین چیه و عصبانی بشید، خب خبرهای خوب رو هم به نگاه بکنید. اونا هم آدمی دل دارن! مثلاً اگر یه هفته بورس خوب باشه، به چشم هیچ کس نمی آد، ولی کافیه یک کم بریزه. همه با هاش می ریزن. یا اصلاً کسی به اخبار قهرمانی ها و موفقیت های زنان و دختران توجهی نمی کنه ولی کافیه یک اختلاس صورت بگیره. تا اون سر دنیا که موجود زنده روی زمین نفس می کشه، همه خبردار می شن و در و ایرال کردن و همراهی کرد خبر، از هیچ حمایتی دریغ می کنن. کلا ذات آدمیزاد همینه. یعنی تقصیر شما نیست. از خدا پنهون نیست، از شما چه پنهون، ما خودمونم همینیم. لطفاً اگر تراپیست یا دکتر و مشاور خوبی پیدا کردین، به ما هم معرفی کنین. برامریض می خوایم. اصلاً فکر کنین دارین برا خواهر و مادر خودتون این کارو می کنین!

چند نمونه خبر خوب بخوانید

به نام خدا. پدر مامی گوید ریزش بورس خبر خوبی است چون شوهر خاله مادر آنجا سرمایه گذاری کرده است و پدرمان به حرفش گوش نداده و پولمان را بیخود و بی جهت صرف هزینه های دیگر کرده. راستش را بخواهید، در حال حاضر نه ما پول داریم و نه خانواده خاله مان، اما خبر ریزش بورس خبر خوشحال کننده ای برای پدر ما بود. آقا، اجازه؟ پدر مامی گوید شاید یه خبر بدی از نماینده های مجلس ماشین گرفته اند و این خبر بدی است. اما ما فکر می کنیم پدرمان اشتباه می کند. آن ها هم جزو مردم هستند. زحمت کشیده اند، کار کرده اند، به فکر معیشت مردم بوده اند، یعنی یک ماشین هم نگیرند؟ اصلاً نوش جان شان. خبر از این بهتر هم داریم؟!



آن چادر گرفته بودند و توت می تکاندند. دیر به خانه رسیدم و آن ۳۰۰ گرم توت به خاطر گرمای هوا آب انداخت. حیف شد، خیلی خوشمزه بود! با شانه هایی افتاده از خستگی و غم آن ۳۰۰ گرم، وارد خانه شدم. سطل را کنار ۵۳ سطل دیگر چیده شده در آشپزخانه گذاشتم و با رؤیای تشکیل یک خانواده توت خور، به خواب رفتم.

توت خانه ی همسایه اش که هست. میان راه خانه چند درخت توت دیگر هم دیدم که از شدت فراوانی میوه هایشان، خم شده بودند و شاخه هایشان به زمین رسیده بود. اما برایم جای تأمل داشت که چرا توت های آن علاوه بر بزرگ بودن به شکلی غیر طبیعی، به رنگ صورتی و آبی بودند و با هم حرف می زدند؟ متأسفانه به علت بسته شدن خیابانی که خانواده ای دور تا دور درخت وسط بولوار

پیاده روی روی اعصاب (قسمت آخر)

بشه. بعد به ما دستور دادین سؤالات پایان ترم رو به مزایده بذاریم و سر جلسات امتحان به عنوان مراقب، تقلب ها رو با بالاترین قیمت جابه جا کنیم! به اداره گفتیم بیاد تکلیف ما رو روشن کنه. گفتیم: چی گفتی؟ اداره؟ رفتم داخل دفتر و چمدانم را پر از پول کردم و رفتم بالای پشت بام تا هلی کوپتر برسد و فرار کنم. در اینجا سایه بزرگی روی من قرار گرفت. صدای هلی کوپتر بود ولی سایه هلی کوپتر نبود! دبیر پلخمون بود که مشابه آقای شاپوری صدای هلی کوپتر درمی آورد. پشت یقه ام را گرفت و گفت: فیلم زیاد می بینی! و مرا از بالای پشت بام برداشت و چرخاند و چرخاند و چرخاند و پرت کرد از پلخمون بیرون. خودش هم یا فیلم زیاد می دید یا جنس از موتوری می گرفت! (پایان)

باید می کردم که نکردم؟ خاویار آوردم گذاشتم توی بوفه مدرسه. خب، پولتون نمی رسه بهش، به من چه؟ توپ فوتبال آمریکایی گرفتم آوردم جایگزین بازی زو و سرشستن ها کردم، بد کردم؟ حالا شیشه چهار تا برج همسایه رو هم با توپ فوتبال آمریکایی آوردیم پایین که آوردیم. این ها هزینه های مدرسه پول دار و در حال توسعه است! معلم خارجی اونم چینی آوردم براتون که اشناختیون روی خودروهای چینی بود که به جای پول نفت به ما دادن! حالا شما زبان چینی نمی فهمین من چه کار کنم؟! یکی از دانش آموزان گفت: آقا، یکی از فامیل های ما توی مدرسه پایین شهر، رتبه کنکورش از ما بهتر شده! نماینده معلم ها هم گفت: همکار قدیمی ما داره ادامه تحصیل می ده و شاید استاد دانشگاه

با برعهده گرفتن مدیریت مدرسه، پس از برتری ثروت بر علم در همه پرسی مدرسه، همه چیز را پولی کردیم. این قدر پول جمع شده بود که دفتر مدرسه را به شکل بانک باجه بندی کردیم و معلمان در زنگ تفریح فقط پول می شمردند و در گاوصندوق می گذاشتند. من هم پاهایم را روی میز گذاشته بودم و هر معلمی از کلاس می آمد، یک بسته اسکناس بهش می دادم و اجازه داشت تا زنگ آخر توی جیبش نگه دارد و سپس وارد گاوصندوق کند! دیدم زنگ که خورد، کسی وارد کلاس ها نشد. از پشت پنجره دیدم همه دانش آموزان و معلمان در حیاط جمع شده اند و دارند علیه من شعار می دهند. رفتم پشت میکروفون و گفتم: چتونه؟ من چه کار

همینی که هست؛ نخواستی هِرری!

خودرو [khodro]: خودبه خود رونده. وسیله ایاب و ذهاب سابق و فیس و افاده کنونی. مردم به راحتی صاحبش می شوند ولی در خواب! بدخواهان شایعه می کنند صفرش هم مشکل دارد! (ر.ک. فرغون). برخی از مسئولان مرتفع ترینش را سوار می شوند تا از آن بالا به مشکلات مردم اشراف داشته باشند (پ.ن: به همین علت، بدون نوبت به شان داده می شود تا کار مردم زودتر راه بیفتد).

خودروسازی [khodro-sazi]: کارخانه های ساخت تشت های چهار چرخ. از عشاق رسانه که همیشه تیتیر یک اخبارند ولی از آن طرف دلشان نمی آید طراحان زبردست را توی زحمت بیندازند (پ.ن. با گذاشتن سپر یک مدل روی سقف آن یکی، طرحی نودمی اندازند). از حباب سازان بزرگ قیمت. مبتکر اسم های زیبا و پرمعنی. از عوامل نزدیک کردن مردم به خدا. از لگدپران ترین هایبه حسن اعتماد خریداران.

پیش فروش خودرو [pish-foroush-e khodro]: دارنده رکورد مبهم ترین سیستم فروش از

قیمت تا مدل، رنگ، زمان تحویل و الخ! از مسببان اصلی ترافیک اینترنتی و اتلاف وقت مشتریان.

قیمت خودرو [qeymat-e khodro]: سوار بر نوک پیکان نمودار صعودی. صاحب مرموزترین فرمول محاسبه (قدرمطلق سپر جلو به علاوه مشتق گل گیر عقب، ضرب در لنت ترمز به توان دو، به اضافه چند میلیون پول زور). از نشانه های خیر بودن نیت خودروسازان برای کنترل آلودگی هوا و ترافیک. زیر سؤال برنده ضرب المثل «هیچ ارزانی بی علت نیست و هیچ گرانی بی حکمت».

بیمه خودرو [bime-ye khodro]: معادل آواز دهل. ساز و کارش جوری است که مقصر ترجیح می دهد نقدی پرداخت کند.

انحصار بازار خودرو [enhesar-e bazar-e khodro]: ما خیلی خوبیم. بقیه دنیا از روی دست ما نگاه می کنند. همین که ما می گوییم: نخواستی، هِرری! خوش اومدی!

رقابتی شدن بازار خودرو [reqabati-shodan-e]

زمان تحویل خودرو [zaman-e tahvil-e khodro]: توی رسانه و روی کاغذش با هم فرق دارد. گاهی به مکتوبش هم اعتباری نیست. اگر پیش فروشی باشد، ثبت نامش با شما ولی تحویلش با خداست.

کارت سوخت [kart-e sookht]: کارتی که محتویاتش زود سوخت می شود و ته می کشد. نازک نارنجی (پ.ن. در اثر هم نشینی با دوستان نابابی مثل گوشی موبایل و رطوبت می سوزد).

ترافیک [terafik]: شاخص سنجش اعصاب رانندگان. دو دسته روان و سنگین دارد: روانش با روان آدم کاری ندارد ولی سنگینش با ارواح عمه و سایر بستگان مسببان پیوند برقرار می کند! نشانه مدرن بودن یک شهر. از عوامل رونق فحش ها. عامل شارژ سرب و جیوه خون مردم.

خودرو [khodro]: خودبه خود رونده. وسیله ایاب و ذهاب سابق و فیس و افاده کنونی. مردم به راحتی صاحبش می شوند ولی در خواب! بدخواهان شایعه می کنند صفرش هم مشکل دارد! (ر.ک. فرغون). برخی از مسئولان مرتفع ترینش را سوار می شوند تا از آن بالا به مشکلات مردم اشراف داشته باشند (پ.ن: به همین علت، بدون نوبت به شان داده می شود تا کار مردم زودتر راه بیفتد).

خودروسازی [khodro-sazi]: کارخانه های ساخت تشت های چهار چرخ. از عشاق رسانه که همیشه تیتیر یک اخبارند ولی از آن طرف دلشان نمی آید طراحان زبردست را توی زحمت بیندازند (پ.ن. با گذاشتن سپر یک مدل روی سقف آن یکی، طرحی نودمی اندازند). از حباب سازان بزرگ قیمت. مبتکر اسم های زیبا و پرمعنی. از عوامل نزدیک کردن مردم به خدا. از لگدپران ترین هایبه حسن اعتماد خریداران.

پیش فروش خودرو [pish-foroush-e khodro]: دارنده رکورد مبهم ترین سیستم فروش از

قیمت تا مدل، رنگ، زمان تحویل و الخ! از مسببان اصلی ترافیک اینترنتی و اتلاف وقت مشتریان.

قیمت خودرو [qeymat-e khodro]: سوار بر نوک پیکان نمودار صعودی. صاحب مرموزترین فرمول محاسبه (قدرمطلق سپر جلو به علاوه مشتق گل گیر عقب، ضرب در لنت ترمز به توان دو، به اضافه چند میلیون پول زور). از نشانه های خیر بودن نیت خودروسازان برای کنترل آلودگی هوا و ترافیک. زیر سؤال برنده ضرب المثل «هیچ ارزانی بی علت نیست و هیچ گرانی بی حکمت».

بیمه خودرو [bime-ye khodro]: معادل آواز دهل. ساز و کارش جوری است که مقصر ترجیح می دهد نقدی پرداخت کند.

انحصار بازار خودرو [enhesar-e bazar-e khodro]: ما خیلی خوبیم. بقیه دنیا از روی دست ما نگاه می کنند. همین که ما می گوییم: نخواستی، هِرری! خوش اومدی!

رقابتی شدن بازار خودرو [reqabati-shodan-e]

ایجو، مگفتن

فاطمه یوجار

فریدون عباسی، نماینده مجلس:

چرا باید این گدابازی ها را درآوریم و به ماشین شاسی بلند گیر بدهیم؟ مگر قیمت ماشین شاسی بلند چقدر است؟

اکبر طبری:

چرا باید این گدابازی ها را درآوریم و به زمین لواسان گیر بدهیم؟ شما رفیق بامعرفت ندارید زمین به اسمتون کنه تقصیر منه؟



چارلز سوم، پادشاه بریتانیا:

چرا باید این گدابازی ها را درآوریم و به مراسم تاج گذاری گیر بدهیم؟ این قدر حال می ده سوار رولز رویس بشی! این کولر رو میزنی لامصب خنک می کنه ها!!!



علی فتح... زاده:

چرا باید این گدابازی ها را درآوریم و به قرارداد استراماچونی گیر بدهیم؟ چطو به تو گیر ندادن قرارداد ویلتموس رو بمستی؟



محمدرضا پهلوی:

چرا باید این گدابازی ها را درآوریم و به چمدان های پراز طلا گیر بدهیم؟ اصلا بردم که بردم! مال بابام بوده! دوست داشتم ببرم.



محمود رضا خاوری:

چرا باید این گدابازی ها را درآوریم و به سه هزار میلیارد گیر بدهیم؟ با این تورم همین سه «همت» رو بندازی جلو گدا قهر می کنه.



«دبل یوسی» یا «سی دبل یو»؟!

زندگی یعنی همین که
 اگه داری اگه داری
 اسمشو اگه نداری
 دیگه زندگی نداری
 زندگی یعنی نباشی
 زیر خط فقر درکل
 یعنی داشتن سپرده
 یا سه چار حساب جاری
 زندگی یعنی به باغی
 زیر شاخه درختاش
 جای میوه داشته باشه
 اسکناس صد دلاری
 زندگی یعنی نباشی
 مٹ غول توی شیشه
 یا مٹ الاغ پیری
 که می بندنش به گاری
 یعنی وقتی که نشستی
 روی نیمکت به پرنده
 نکنه به کار زشتی
 وقتی که سرقراری
 زندگی یعنی که حتما
 هدفی تو داشته باشی
 یعنی پیژامه پیوشی
 وقتی می ری خواستگاری
 زندگی یعنی ببینی
 تو خیابون «سی دبل یو»
 وقتی گیر افتاده باشی
 تو به وضع اضطراری
 البته باید ببخشید
 اگه چپه گفتم اونو
 آخه خیلی هم درست نیست
 اسمشو هر جا بیاری
 توی مقیاس بزرگش
 یعنی زندگی نیاره
 یه فشاری روت که از اون
 بشی دائما فراری
 چی بگم دیگه براتون
 آخه زندگی همین هاست
 اگه غیر از این ها باشه
 که بهش می کن بیگاری

شوخی

الله آرائیان

الهی!

ما را که همیشه وام دار لطف و کرامت تویم، از سروکله زدن
 با اقساط وام های بانکی و سود بیست و سه درصدی شان
 خلاص کن! آمین.

پلخمون

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهرآرا
 صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
 مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
 سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
 دبیر ضمانت: روزنگ حاتمی
 دبیر پلخمون: مجتبی نفعی راد

تلفن: ۳۷۲۸۸۸۸۱ پیامک: ۲۰۰۷۲۸۱

دریافت نسخه الکترونیک از: shahraraneews.ir

راهکارهای شناسایی
خانه های خالی

یک مسئول وزارت راه و شهرسازی از تشکیل گشت هایی برای شناسایی
 خانه های خالی خبر داده است. اما این گشت ها چطور باید خانه های خالی
 را شناسایی کنند؟



یک راه شناسایی، همان روش سنتی است.



برخی از روش های شناسایی کمی خشن هستند اما سریع جواب می دهند.



مشاغل جدیدی نیز در این راستا به وجود می آیند.



تجربیات نقل شده از قصه های قدیمی همیشه چراغ راه است.

خانه شگول و شگول اینا

در پایان، در صورت خالی بودن خانه، سعی کنید با همسایه ها هماهنگ باشید